

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان
۲۵ اپریل ۲۰۱۶

زنده باد اول می روز جهانی همبستگی کارگران!

اول ماه می روز جهانی اعلام کیفرخواست و همبستگی طبقاتی طبقه کارگر علیه بردگی مزدی و نظام سرمایه‌داری است. هر سال در این روز کارگران در سراسر جهان از فرصت فراهم آمده استفاده برده خواست‌ها و مطالبات و منافع متمایز شان برای بهبود وضعیت زندگی و مهم‌تر از آن خلاصی و رهائی از بربریت سرمایه را جست و جو و اعلام می‌نمایند. امروز طبقه کارگر در سراسر جهان با مصائب و دشواری‌های زیادی مواجه است و بورژوازی در پهنه جهان برای کسب سود بیشتر و مقابله با بحران اقتصادی که همچنان ادامه دارد فقر، ریاضت اقتصادی، جنگ و بربریت را بر بشریت در اشکال متنوعی تحمیل نموده است. سرمایه‌داری جهانی با اتکاء به ارتجاعی‌ترین نیروها و باورها و با دامن زدن و فربه ساختن تعصبات کور و ارتجاعی و با به راه انداختن جنگ و کشتار، بربریت کنونی را به بخش ثابتی از زندگی مردم در اقصا نقاط جهان تبدیل نموده است.

کارگران در افغانستان مانند سایر هم طبقه‌ئی‌های شان در نقاط دیگر جهان در این روز به خیابان‌ها می‌ریزند و خواست‌ها و مطالبات شان را از بورژوازی و قدرت حاکمه طلب می‌نمایند. اما کارگران در افغانستان همچنان با دشواری‌ها و تقابل‌های مزید و متعددی دست به گریبان اند. رنج و محرومیت کارگران در افغانستان بیکران است و ابعاد گسترده‌ای دارد. طبقه کارگر افغانستان ضمن نداشتن امنیت جانی در اثر جنگ و جدال نیروهای قهرانی از تأمین معیشت و امنیت شغلی نیز محروم است. اولین قربانیان توحش و بربریت جاری در افغانستان، در کنار سایر اقشار و طبقات اجتماعی را کارگران تشکیل می‌دهند. فقر و بیکاری میلیونی در میان کارگران بیداد می‌نماید و از حدود ۱۳ میلیون کارگر آماده و واجد شرایط کار در بازار کار، چیزی بیشتر از پنجاه درصد آن یا بیکاراند و یا از داشتن شغل ثابت و مناسب محروم می‌باشند. اکثریت قاطع کارگران و خانواده‌های آنها در بدترین شرایط زندگی می‌نمایند که حتی قادر نیستند ابتدائی‌ترین مایحتاج روزانه شان را تأمین نمایند.

با به قدرت رسیدن "دولت وحدت ملی" و تقسیم قدرت میان کارتل‌های اسلامی- قومی نه تنها که بهبودی در وضعیت عمومی از امنیت تا ثبات و قطع جنگ پدید نیامد بلکه به صف بیکاران، به ویژه در میان نسل جوان، بیشتر از هر زمانی طی این مدت افزوده شد. نیروی وسیعی از کارگران چه در شهرها و چه در روستاها جهت بقا و تأمین زندگی چاره‌ای جز فرار و رفتن به بازارهای کار کشورهای همسایه و منطقه و همچنان اروپا را ندارند.

این نیروی عظیم کارگران بیکار که از کشور فرار می‌کنند در وحشیانه‌ترین شکل مورد استثمار و تبعیض و سودجویی سرمایه داران کشورهای محل اقامت شان از جمله کشورهای همجوار و کشورهای حوزه خلیج قرار می‌گیرند. برخی هم برای یافتن زندگی بهتر و نجات جان خود و خانواده های شان دل به دریا زده و خوشبختی و سعادت شان را در شمال آب‌های بحیره مدیترانه جست و جو می‌نمایند، رؤیا و آرزویی که یکجا با بسیاری از این کارگران از جهنم گریخته در دل امواج مهیب ابحار غرق می‌شود. سال پار صدها تن از کارگران اهل افغانستان با رویای رسیدن به زندگی بهتر در قعر ابحار جانهای شیرین شان را از دست دادند. در کنار این وضعیت ناهنجار حاکمیت بورژوائی و حامیان آن در سطح منطقه و جهان توانسته است با دامن زدن به نفاق قومی و اشاعه افکار و باورهای مذهبی از اتحاد، آگاهی و سازمانیابی طبقه کارگر در کنار عوامل مهم دیگر جلوگیری نماید و یا به سخن دیگر سد و مانع ایجاد نماید. مهم‌ترین عامل ادامه بربریت جاری که بیشتر از سه دهه است که از مردم و اقشار و طبقات زحمتکش افغانستان قربانی می‌گیرد تفرقه و پراکندگی صفوف طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی کارگری است. پیشروی طبقه کارگر، حتی برای تحقق ابتدائی‌ترین مطالباتش، با تشکل پذیری و خودآگاهی می‌تواند میسر گردد.

"جنبش علیه بیکاری" گامی بود جسورانه و درخور تحسین که سال گذشته برخی از پیشروان آگاه و جوانان بیکار برای تأمین و به کرسی نشاندن مطالبات کارگران بیکار ابتکار به خرج داده و آن را بنیاد نهادند. با وجود تداوم فعالیت و سازمان دادن اعتراضاتی، این جنبش هنوز قادر نشده است تا به امر همبستگی و سازمانیابی کارگران شاغل و بیکار در یک عرصه وسیعتر اجتماعی دست یابد. دلیل یا دلایل عدم توفیق این حرکت اعتراضی را می‌توان بر نبود اتحاد میان فعالان سوسیالیست طبقه کارگر، عدم رشد و خودآگاهی و تحزب‌گریزی و سلطه و اقتدار جریان‌های راست در جامعه دانست. مهمتر از آن بستر و شرایطی که چنین محرومیت و بلاهتی را به کارگران افغانستان تحمیل نموده است قبل از هر چیزی حاکمیت رژیم ارتجاعی و فاسد بورژوائی است که طی این یک دهه و نیم بر مردم و طبقه کارگر فقر و محنت فروخته است. رژیم فاسد مافیائی به رهبری "اشرف غنی" و "عبدالله عبدالله" که پس از "انتخابات" توسط وزیر خارجه امپریالیسم امریکا "جان کری" سرهم بندی و مهندسی شد، در عرصه اقتصادی هیچ راه حلی برای بیرون رفت از رکود و بحران جاری، جز نسخه آزموده شده میکانیسم بازار آزاد ندارد.

با چپاول و خروج بیشتر سرمایه‌ها و منابع از کشور و بحران اقتصادی نظام سرمایه داری در یک هیأت عمومی رژیم بورژوائی حاکم قادر نبود و نیست که زمینه جذب نیروی کار و فرصت‌های شغلی را مساعد سازد. در عین حال که این نظام فاسد و مافیائی در ادامه حاکمیتش به یک اقتصاد پارازیتی و مافیائی رسمیت بخشیده است که مهره‌ها و مسئولین و اراکین آن به عنوان صاحبان اصلی سرمایه در آن شریک اند. در کنار پراکندگی و ناآگاهی خود کارگران، مذهب و ناسیونالیسم قومی به مثابه دو گرایش ایدئولوژیک مسلط در فضای سیاسی جامعه، نقش اساسی در وضعیتی که طبقه کارگر افغانستان با آن مواجه است، دارد. هرچند که نهادها و مجامع صنفی طی این پانزده سال شکل گرفته اند که در چارچوب مناسبات حاکم می‌خواهند کارگران و مزدگیران را نمایندگی نمایند اما این نهادها امر شان را مشکلات و معضلات کارگران تشکیل نداده و نمی‌دهد. به همین دلیل هم است که اتحادیه‌ها و نهادهای نام نهاد و سازمان‌های چپ سکتاریست و ملی‌گرا هرگز قادر نشده اند خواست‌ها و مطالبات کارگران از شاغل تا بیکار را نمایندگی و از آن‌ها حمایت کنند؛ به همین علت هم است که این نیروها و نهادها از "جنبش علیه بیکاری" به عنوان یک حرکت مستقل که در نوع خود متبازترین حرکت اعتراضی کارگری طی این چند دهه علیه بورژوازی و حاکمیتش به شمار می‌رود، آن‌طوری که انتظار می‌رفت حمایت نکردند.

سازمانیابی طبقه کارگر و وحدت اصولی نیروهای چپ و سوسیالیست حول منافع طبقاتی کارگران، یعنی ایجاد حزب سوسیالیستی کارگری، ضروری‌ترین و مهم‌ترین اقدامی است که می‌تواند کارگران افغانستان را در مواجهه با قدرت حاکمه و بیرون رفتن از وضعیت کنونی در موقعیت مبارزاتی برتری قرار دهد. اتحاد و آگاهی طبقاتی کارگران افغانستان در عمل ضامن به میدان آمدن آن نیروی مادی و مبارزاتی است که با حضورش در جدال طبقاتی نه فقط که اقتدار بورژوازی را به مصاف می‌طلبد بلکه پاسخی است به تمامی نیروهای مرتجع ناسیونالیست و مذهبی و حامیان جهانی و منطقه‌ای آنها.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان برای سازمانیابی و تحزب طبقه کارگر تلاش و پیکار نموده و آن را یکی از وظایف تخطی ناپذیرش می‌شمارد. با توجه به وضعیت و بربریتی که سرمایه داری جهانی بر بشریت تحمیل نموده است یگانه طبقه انقلابی که می‌تواند به مثابه یک طبقه جهانی خود و بشریت را نجات دهد، طبقه کارگر است؛ بنابراین همبستگی بین المللی طبقه کارگر و همسوئی و همیاری نیروهای سوسیالیستی کارگری یک نیاز ضروری و حیاتی به شمار می‌رود.

زنده باد اول می روز جهانی همبستگی کارگران!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۲۲ اپریل ۲۰۱۶